

Analysis of Iran's Legitimate Defense against the Zionist Regime's Attack on the Iranian Consulate in Syria from the Perspective of International Law

AhmadReza Tohidi¹ , Alireza Javadi Moghadam² 

¹ Associate Professor, Department of International Law, Faculty of Law, University of Qom, Qom, Iran
(Corresponding author). legalart2@gmail.com

² Master's student, Department of International Law, University of Qom, Qom, Iran.
ar.javadi@stu.qom.ac.ir

Abstract

On 13 Farvardin 1403, the Iranian consulate in Damascus, the capital of Syria, was attacked by the Zionist regime's fighters, during which 7 Iranian military advisors were martyred. On 26 Farvardin 1403, thirteen days later, in Operation "Obeda Sadeq," the Revolutionary Guard attacked the military bases of the Zionist regime that had been used to attack the consulate building of our country. Based on Article 51 of the United Nations Charter, the Zionist regime had in fact violated Iranian territory and it was Iran's natural right to defend itself. Also, based on the requirements of the right to legitimate defense: 1) The Zionist regime carried out a military attack on Iranian territory. 2) Iranian officials had pursued diplomatic paths to establish international peace and security. 3) Iran's defensive operation was proportionate to the Zionist regime's attack and no civilian targets were attacked other than the Zionist regime's military bases. 4) Iran's military operation was carried out after the Zionist regime's military attack. 5) The Islamic Republic of Iran officially informed the Security Council about the operation through its representation in the United Nations. In addition to the UN Charter, Iran's action is based on other reliable documents of international law, including the Vienna Convention on Diplomatic Relations of 1961 and the Vienna Convention on Consular Relations of 1963. As a result, Iran's military agents' operation, known as the Honest Promise, was carried out against the military targets of the Zionist regime as a legitimate defense and in accordance with the rules of international law.

Keywords: Consulate, military attack, right to legitimate defense, international law, resort to force, UN Charter, Iran, Zionist regime, Syria.

Cite this article: Tohidi, A.R. & Javadi Moghadam, A.R. (2024). Analysis of Iran's Legitimate Defense against the Zionist Regime's Attack on the Iranian Consulate in Syria from the Perspective of International Law. *Philosophy of Law*, 3(1), p. 51-64. <https://doi.org/10.22081/phlq.2025.70660.1080>

Received: 2023-09-23 ; **Revised:** 2023-11-24 ; **Accepted:** 2024-01-11 ; **Published online:** 2024-04-03

© The Author(s).

Article type: Research Article

Publisher: Baqir al-Olum University



<https://phlq.bou.ac.ir/>

واکاوی دفاع مشروع ایران در قبال حمله رژیم صهیونیستی به کنسولگری ایران در سوریه از منظر حقوق بین‌الملل

احمد رضا توحیدی^۱، علیرضا جوادی مقدم^۲

^۱ دانشیار، گروه حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق، دانشگاه قم، قم، ایران (نویسنده مسئول). legalart2@gmail.com
^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه حقوق بین‌الملل، دانشگاه قم، قم، ایران. ar.javadi@stu.qom.ac.ir

چکیده

در سیزدهم فروردین ۱۴۰۳ کنسولگری ایران در شهر دمشق، پایتخت کشور سوریه مورد حمله جنگنده رژیم صهیونیستی قرار گرفت و طی آن، ۷ نفر از مستشاران نظامی ایران به شهادت رسیدند. سپاه پاسداران در ۲۶ فروردین ۱۴۰۳، به فاصله سیزده روز در عملیات «وعده صادق»، پایگاه‌های نظامی ارتش رژیم صهیونیستی را که از آن‌ها برای حمله به ساختمان کنسولگری کشورمان استفاده شده بود، مورد حمله قرار داد. به استناد ماده ۵۱ منشور ملل متحد، رژیم صهیونیستی در واقع به خاک ایران تجاوز نموده و این حق طبیعی ایران بود که از خود دفاع نماید. همچنین براساس الزامات حق دفاع مشروع: ۱) رژیم صهیونیستی یک حمله نظامی را علیه خاک ایران انجام داد. ۲) مقامات رسمی ایران راه‌های دیپلماسی را برای استقرار صلح و امنیت بین‌المللی طی کرده بودند. ۳) عملیات دفاعی ایران متناسب با حمله رژیم صهیونیستی بوده و به غیر از پایگاه‌های نظامی رژیم صهیونیستی، هیچ هدف غیرنظامی مورد حمله قرار نگرفت. ۴) عملیات نظامی ایران پس از حمله نظامی رژیم صهیونیستی انجام شد. ۵) جمهوری اسلامی ایران به صورت رسمی، نحوه اجرای عملیات را از طریق نمایندگی خود در سازمان ملل به اطلاع شورای امنیت رساند. این اقدام ایران، علاوه بر منشور ملل متحد، مبتنی بر سایر اسناد مورد وثوق حقوق بین‌الملل نیز می‌باشد، از جمله در پیمان وین درباره روابط سیاسی یا کنوانسیون وین راجع به روابط دیپلماتیک ۱۹۶۱ و نیز کنوانسیون وین درباره روابط کنسولی ۱۹۶۳ صراحتاً به این موضوع اشاره شده است. در نتیجه، عملیات نظامی ایران موسوم به وعده صادق، علیه اهداف نظامی رژیم صهیونیستی به عنوان دفاع مشروع و منطبق با قوانین حقوق بین‌الملل اجرا شد.

کلیدواژه‌ها: کنسولگری، حمله نظامی، حق دفاع مشروع، حقوق بین‌الملل، توسل به زور، منشور ملل متحد، ایران، رژیم صهیونیستی، سوریه.

استناد به این مقاله: توحیدی، احمد رضا؛ جوادی مقدم، علیرضا (۱۴۰۳). واکاوی دفاع مشروع ایران در قبال حمله رژیم صهیونیستی به کنسولگری ایران در سوریه از منظر حقوق بین‌الملل. فلسفه حقوق، ۷۱(۳)، ص ۵۱-۶۴. <https://doi.org/10.22081/phlq.2025.70660.1080>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۰۱؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۲/۰۹/۰۳؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۲۱؛ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۳/۰۱/۱۵

ناشر: دانشگاه باقرالعلوم (ع)

نوع مقاله: پژوهشی

© نویسندگان.



۱. چرایی توسل به زور توسط ایران، پس از حمله نظامی به کنسولگری ایران در سوریه

پس از وقوع حمله نظامی رژیم صهیونیستی به کنسولگری ایران در سوریه، در ۱۳ فروردین ۱۴۰۳ (اول آوریل ۲۰۲۴ میلادی)، مقامات کشورمان در بیانیه‌ها و سخنرانی‌های رسمی خود از عناوین مختلفی چون واکنش سریع و لازم، پاسخ قاطع، پاسخ پشیمان‌کننده، تنبیه رژیم صهیونیستی، مجازات عاملین و مجازات سخت استفاده نمودند. علاوه بر این، پاسخی مناسب به این تجاوز، به مطالبه ملت ایران تبدیل شده بود. از طرفی، در طول سابقه تأسیس این رژیم، علی‌رغم جنایت‌های بسیار زیاد و وحشیانه‌ای که علیه ملت فلسطین، لبنان و سوریه روا داشته است؛ به‌جز جنگ شش‌روزه اعراب، که به دلایل مختلف به شکست ارتش‌های کشورهای عربی منجر شد، هیچ سابقه حمله نظامی علیه رژیم صهیونیستی وجود ندارد. علاوه بر این، با وجود حمایت‌های بی‌دریغ آمریکا و کشورهای سلطه‌گر جهان از این رژیم، پاسخ نظامی ایران دور از ذهن بیشتر تحلیل‌گران سیاسی و کارشناسان نظامی بین‌المللی و حتی داخلی به نظر می‌رسید. اما اشاره صریح ایران به پاسخ نظامی به این جنایت ددمنشانه در عرصه بین‌المللی به توجیه و استدلال دقیق حقوق بین‌المللی نیاز داشت. با وجود اینکه مقامات ایران قبل و بعد از اجرای عملیات وعده صادق، براساس موازین حقوق بین‌الملل به صورت رسمی به آن استناد کردند، آمریکا و چند کشور غربی حامی رژیم صهیونیستی نسبت به آن اظهار نگرانی شدید کرده و آن را محکوم نمودند. سؤال اینجا است که با توجه به صراحت منشور ملل متحد و اذعان بسیاری از کشورهای جهان به ناکارآمدی ساختار سازمان ملل متحد و این که در قبال حمله نظامی رژیم صهیونیستی به کنسولگری ایران هیچ تصمیم و اقدام عملی انجام نداد و ایران براساس حق طبیعی^۱ خود نسبت به آن واکنش نشان داد، باز هم از نظر آن‌ها این عملیات مصداق دفاع مشروع نبوده و به آن واکنش منفی نشان دادند؟ در پژوهش حاضر، با ارائه نقدها و تحلیل‌ها نشان داده خواهد شد که عملیات نظامی ایران، مصداق صریح دفاع مشروع بوده است.

۲. توسل به زور^۲

براساس مفاهیم حقوق بین‌الملل، توسل به زور مفهومی فراگیرتر از جنگ^۳ داشته و نسبت به مفهوم مداخله^۴، حوزه محدودتری را شامل می‌شود. فیلیکس اُپنهایم^۵، جنگ را عبارت از جدل بین دو دولت از طریق قوای نظامی باهدف توقف و غلبه بر دیگری و اعمال شرایط دلخواه طرف پیروز می‌داند (مسائلی و ارفعی، ۱۳۷۱، ص ۴). با دقت در این تعریف، می‌توان دریافت که از نظر اُپنهایم سه شرط اساسی برای

1. Natural law

2. Use of Force

3. War

4. Intervention

5. Lassa Francis Lawrence Oppenheim

وقوع شرایط جنگی لازم است: ۱. مخاصمه مسلحانه انجام شود. ۲. طرف‌های مخاصمه، دو دولت مستقل باشند. ۳. غرض از مخاصمه مسلحانه، اعمال شرایط دلخواه طرف پیروز باشد.

در دایره‌المعارف حقوق بین‌الملل عمومی، برای مفهوم مداخله، چنین آمده است: «مداخله آن است که کشوری در امور داخلی یا خارجی کشور دیگر، به منظور وادار کردن آن کشور به رفتاری خاص، نفوذ کند و بدان وسیله به او فشار آورده و اراده حاکم کشور محل مداخله را نقض نماید» (صفایی، ۱۳۶۷، ص ۹). طبق این تعریف، می‌توان چهار شرط لازم را در مفهوم مداخله برشمرد: ۱. اعمال نفوذ در امور داخلی و خارجی کشور دیگر ۲. کشوری که در امور آن مداخله می‌شود باید مستقل باشد ۳. وجود اعمال اجبار ۴. هدف از مداخله باید تحمیل اراده مداخله‌کننده باشد. البته در حقوق بین‌الملل، مداخله از وساطت و میانجی‌گری و امثال آن، متمایز شده و جنبه سیاسی آن مدنظر قرار می‌گیرد. این نکته قابل ذکر است که دیوان بین‌المللی دادگستری، اجبار را از عناصر اصلی مداخله به‌شمار آورده است.

از زمان تصویب میثاق جامعه ملل و به دنبال آن، معاهدات لوکارنو و به‌ویژه میثاق بریان-گلوک، حقوق بین‌الملل به سمت ممنوعیت یا لاقفل محدود کردن توسل به زور متمایل شد. میثاق جامعه ملل در ۲۸ آوریل ۱۹۱۹ در کنفرانس صلح و ریسای و برای جلوگیری از جنگ دیگر تصویب شد. در این توافق‌نامه بین‌المللی، تلاش شده بود تا ضوابطی برای حل مسالمت‌آمیز اختلافات و محدود کردن حق توسل به زور، که قبل از آن هیچ‌گونه منعی برای آن وجود نداشت، ایجاد شود. به عبارت دیگر، از نگاه میثاق جامعه ملل، جنگ آخرین راه حل منازعات بین‌المللی به‌شمار می‌رفت. عدم توانایی جامعه ملل در جلوگیری از بروز جنگ جهانی دوم، موجب شد تا کشورهای بزرگ قبل از خاتمه این جنگ، طرح تأسیس سازمان جدیدی را پی‌ریزی نمایند؛ که قدرت و توان کافی را برای حفظ و حراست صلح و امنیت بین‌المللی و جلوگیری از وقوع جنگ بین‌المللی داشته باشد. به همین دلیل، هدف اولیه وضع و تدوین منشور ملل متحد را، محفوظ نگه‌داشتن نسل آینده از بلای جنگ در نظر گرفته‌اند. قاعده منع توسل به زور در منشور ملل متحد، گونه اقدام زورمدارانه در مناسبات بین‌المللی را در برمی‌گیرد (ضیایی بیگدلی، ۱۳۸۰، ص ۱۵).

در منشور ملل متحد، ممنوعیت کلی و عام توسل به زور مدنظر قرار گرفته است. بنابراین، منع توسل به زور از اصول اساسی حقوق بین‌الملل بوده و هیچ کشوری حق ندارد به صورت مستقیم یا غیرمستقیم، با استفاده از نیروهای مسلح و یا بدون استفاده از آن، به کشور دیگری حمله نظامی کرده و از نیروی مخالف داخلی یک کشور، به صورت مستقیم یا غیرمستقیم حمایت کند. البته منشور ملل متحد با توجه به واقعیات عرصه بین‌المللی و مواردی که در آینده ممکن است به وجود آید، استثنائاتی را در نظر گرفته است که در آن موارد، توسل به زور دارای مجوز است. منشور ملل متحد در بند ۴ ماده ۲ تصریح دارد: کلیه اعضاء در روابط بین‌المللی خود از کاربرد یا تهدید به کاربرد زور علیه تمامیت سرزمینی یا استقلال

سیاسی هر دولت دیگر و نیز از هر عملی که به نحوی از انحاء مغایر با اهداف ملل متحد باشد، خودداری خواهند کرد.^۱ تنها استثناءهای وارد بر این قاعده، در خود معاهده تحت مواد ۴۲ و ۵۳ منشور پیش‌بینی شده است؛ که شورای امنیت اجازه دارد در موارد خاص و با شرایط مشخص، استفاده از نیروی نظامی علیه یک دولت را به‌عنوان ابزاری در جهت استقرار صلح و امنیت بین‌المللی مورد توجه قرار دهد. ماده ۴۲ منشور، چنین تصریح دارد: اگر شورای امنیت تشخیص دهد که اقدامات پیش‌بینی‌شده در ماده ۴۱ ناکافی است یا ناکافی بودن آن ثابت شده باشد، می‌تواند از طریق نیروهای هوایی، دریایی یا زمینی که برای حفظ یا اعاده صلح و امنیت بین‌المللی لازم است، اقدام کند. چنین اقداماتی ممکن است شامل تظاهرات، محاصره و سایر عملیات توسط نیروهای هوایی، دریایی یا زمینی اعضای سازمان ملل باشد.^۲

ماده ۵۳ منشور چنین می‌گوید:

(۱) شورای امنیت، در صورت لزوم، از چنین ترتیبات یا سازمان‌های منطقه‌ای برای اقدامات اجرایی محدودکننده اختیارات خود استفاده خواهد کرد. اما هیچ اقدام اجرایی تحت ترتیبات منطقه‌ای یا توسط آژانس‌های منطقه‌ای، بدون مجوز امنیت انجام نمی‌شود.

(۲) اصطلاح دولت دشمن، که در بند (۱) این ماده به‌کار رفته است، به هر دولتی اطلاق می‌شود که در طول جنگ جهانی دوم، دشمن هر یک از امضاکنندگان این منشور بوده باشد.^۳

استثناء دیگر، ماده ۵۱ منشور است: در صورتی که یک عضو ملل متحد مورد تجاوز مسلحانه واقع شود، هیچ‌یک از مقررات این منشور، تا زمانی که شورای امنیت اقدام لازم را برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی به عمل آورد، به حق طبیعی دفاع مشروع انفرادی یا اجتماعی، لطمه وارد نخواهد آورد و اقداماتی که اعضاء برای اجرای حق دفاع مشروع به عمل می‌آورند باید فوراً به شورای امنیت اطلاع داده شود (گزارش نمایند). این اقدامات به‌هیچ‌وجه تأثیری در اختیارات و وظایفی که شورا، بر طبق این منشور دارد و به‌موجب آن‌ها می‌تواند روشی را که برای حفظ و یا اعاده صلح و امنیت بین‌المللی لازم می‌داند اتخاذ کند، نخواهد داشت (همان). نکته مهم این است که منشور ملل متحد، مسئولیت اصلی حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را طبق ماده ۲۴، به شورای امنیت سپرده است. بنابراین، شورا اختیار توصیه‌کردن یا حکم کردن در زمینه به اجرا گذاردن نیروی نظامی در صورت نیاز، به‌عنوان چاره‌نهایی در جهت تهدید علیه صلح، نقض صلح یا اقدام به تجاوز را دارد. ماده مذکور و همچنین ماده ۳۹، صراحتاً یک اختیار نامحدود و بدون قید شرط را به شورای امنیت تفویض کرده است. به طور کلی، معیارهایی مانند حمایت

1. <https://treaties.un.org/doc/source/docs/charter-all-lang.pdf>

2. <https://treaties.un.org/doc/source/docs/charter-all-lang.pdf>

3. <https://treaties.un.org/doc/source/docs/charter-all-lang.pdf>

از حقوق بشر، دفاع مشروع و حفظ صلح و امنیت بین‌المللی می‌تواند برای توسل به زور در نظر گرفته شود. در ادامه به تشریح دفاع مشروع در حقوق بین‌الملل پرداخته می‌شود.

۳. دفاع از خود (دفاع مشروع)^۱

ایران براساس آموزه‌های دینی و اعتقادات ملی هیچ‌گاه در اندیشهٔ هجوم و حمله نظامی علیه کشوری نبوده و نیست. لیکن دکترین نظامی خود را بر پایه دفاع همه‌جانبه گذاشته است. بر این اساس، عملیات وعده صادق بر پایه استراتژی دفاع مشروع، ارزیابی می‌شود.

۳-۱. دفاع مشروع از منظر حقوق بین‌الملل

اسناد مورد وثوق و پذیرش جهانی در حقوق بین‌الملل، به‌خصوص منشور ملل متحد، کشورهای جهان را از توسل به زور و نیروی مسلح برحذر می‌دانند و به استفاده از شیوه‌های به اصطلاح مسالمت‌آمیز، تأکید فراوان دارند. اما با توجه به واقعیت‌های میدانی در عرصه بین‌الملل، مواقعی پیش می‌آید که یک کشور مورد تجاوز یا حمله مسلحانه قرار می‌گیرد که می‌تواند با توجه به استثناء قانونی در منع توسل به زور، از خود دفاع کرده و به آن پاسخ مناسب دهد. براساس ماده ۵۱ منشور ملل متحد، به آن دفاع مشروع اطلاق می‌شود. از دفاع مشروع در حقوق فرانسه به «دفاع قانونی *droit naturel de légitime défense*» یاد می‌شود. براون لی^۲، استثنای ممنوعیت استفاده از زور را به دفاع فردی، دفاع جمعی، اقداماتی که از سوی نهاد بین‌المللی صالح یا مقررات یک معاهده مجاز شمرده شده و اقدامات برای مقابله با تجاوز و اقدامات برای حفظ جان و اموال اتباع در قلمرو کشور دیگر، طبقه‌بندی می‌کند (Brownline, 1963, p. 265). برخی محققان اقدامات انجام‌شده از سوی شورای امنیت سازمان ملل براساس فصل ۷ منشور و انجام اقدامات از سوی سازمان‌ها یا ترتیبات منطقه‌ای براساس ماده ۵۳ با اجازه شورای امنیت را در کنار حق دفاع از خود مجاز شمرده‌اند. (Nanda, 1984, p. 14) به‌طور سنتی، دفاع مشروع به‌عنوان توجیهی برای استفاده از زور مورد توجه قرار گرفته است. حق کشور در دفاع از خود، معمولاً به‌عنوان ویژگی ذاتی حاکمیت مطرح شده است (Paasche, 1987, p. 388).

گروسیوس^۳ حقوقدان معروف هلندی قرن هفدهم، دفاع از خود را حقی طبیعی می‌دانست. او در این مورد می‌گوید: «دفاع مشروع ریشه در حق دفاع از خود که طبیعت به هر موجود زنده‌ای داده است، دارد» (Bowett, 1958, p. 4). باوت^۴ معتقد است، حق دفاع مشروع برای حفاظت از حقوق ضروری در مقابل آسیب‌های جبران‌ناپذیر، در شرایطی که راه‌های دیگر برای حفظ این حقوق وجود ندارد، امری

1. Self-Defense

2. Brownline

3. Hugo Grotius

4. Bowett

غیرقابل اجتناب است. هدف دفاع مشروع، حفظ یا اصلاح وضعیت موجود است (Bowett, 1958, p. 11). حق دفاع مشروع با اصل سنتی جنگ عادلانه، درهم آمیخته است و استفاده از زور را برای مقابله با تجاوز و اعاده نظم، موجّه می‌سازد (همان، ص ۱۸۵).

منشور ملل متحد مقرر می‌دارد که استفاده از زور، تنها در موارد دفاع از خود و در پاسخ به تجاوز مسلحانه می‌تواند به کار گرفته شود. استفاده از زور در صورتی عادلانه است که با معیارهای شناخته‌شده بین‌المللی مطابقت داشته باشد (ماده ۴ بند ۲ و ماده ۵۱ منشور). بدین ترتیب، سنت جنگ عادلانه در شرایطی که تجاوز غیرقانونی وجود دارد، مورد توجه قرار گرفته و حق دفاع مشروع در موارد محدودی، مجاز شمرده شده است. مقررات منشور، راهنمای روشنی در مورد توسل به زور نیست. این ابهام، موجب شده تا دو مکتب فکری مختلف در مورد قلمرو حق دفاع مشروع مطرح شود. این نظر که منشور، فقط حق دفاع مشروع محدود را مجاز می‌شمارد، از سوی بیشتر محققان، مورد حمایت قرار گرفته و شورای امنیت سازمان ملل متحد نیز آن را مورد تأیید قرار داده است (Levenfeld, 1982, p. 15). تفسیر مضیق از ماده ۱، مقرر می‌دارد که هرگونه استفاده از زور جز در راستای حق دفاع مشروع و در مقابله با حمله مسلحانه، غیرقانونی است (Brownline, 1963, p. 432).

براون لی معتقد است که تفسیر مضیق از مقررات منشور در مورد استفاده از زور موجّه‌تر است (همان، ص ۱۸۲). قاضی ناچندرا سینگ، رئیس پیشین دیوان بین‌المللی دادگستری و مک وینی، اظهار می‌دارند که حق دفاع مشروع تنها متعاقب وقوع یک حمله مسلحانه مجاز است (Merazek, 1989, p. 94) و بنابراین، دفاع پیشگیرانه را مجاز نمی‌شمارند. برابری معتقد است که ماده ۵۱، حق دفاع مشروع را که مبتنی بر حقوق بین‌الملل عرفی است، محدود نکرده و یا خدشه‌ای بر آن وارد نمی‌سازد (Brierly 1963, p. 42). کلسن می‌گوید: ماده ۵۱ منشور، حق دفاع از خود را به‌عنوان حق طبیعی و مستقل از منشور به رسمیت می‌شناسد. او اضافه می‌کند که اگر کسی دکتترین حقوق طبیعی را بپذیرد، اعتبار ماده ۵۱ تا حد زیادی مشکل‌ساز می‌شود (Kelsen, 1951, p. 762). باوت، مقررات منشور را محدودیتی بر حق دفاع مشروع براساس حقوق بین‌الملل می‌شناسد؛ درحالی‌که حقوق بین‌الملل، حق دفاع مشروع را در موارد وقوع حمله مسلحانه، محدود نمی‌سازد (Bowett, 1958, p. 187). براساس تفسیر موسّع از حق دفاع مشروع، دفاع پیشگیرانه نیز مجاز است و همان‌طور که مالیسون اشاره کرده، دفاع مشروع شامل دفاع پیشگیرانه متعارف نیز می‌شود (Mallison, 1962, p. 362).

عبارت کلیدی در ماده ۵۱ منشور ملل متحد برای دفاع مشروع، «حق ذاتی (طبیعی)»^۱ است که ضروری است محدوده آن کاملاً روشن شود. ینس دیوید اوهلین، معتقد است که مفهوم حقوق طبیعی

دفاع مشروع، بسیار گسترده‌تر از مفاهیم متعارف دفاع مشروع است. در نتیجه، این بخش یک مفهوم هنجاری از دفاع مشروع را براساس مفهوم حفظ خود (از جمله حق وجود) ترسیم می‌کند و نشان می‌دهد که چگونه این حق قانونی طبیعی، به‌طور کلی با دکترین‌های امروزی دفاع از خود، پیشگیری از نسل‌کشی و حق تعیین سرنوشت مرتبط است (Ohlin, 2015, p. 119). براساس قانون طبیعی، دفاع از خود نه تنها به‌عنوان یک حق، بلکه به‌عنوان یک تکلیف برحسب حفظ خود، مفهوم‌سازی می‌شود و منشور با عبارت صریح خود، حقوق طبیعی دفاع از خود را حفظ می‌کند.

۴. پیمان وین درباره روابط سیاسی یا کنوانسیون وین راجع به روابط دیپلماتیک ۱۹۶۱

پیمان وین درباره روابط سیاسی یا کنوانسیون وین راجع به روابط دیپلماتیک^۱ یا عهدنامه وین ۱۹۶۱، مهم‌ترین پیمان مربوط به حقوق دیپلماتیک است؛ که با اعتقاد به اینکه یک قرارداد بین‌المللی درباره روابط و امتیازها و مصونیت‌های نمایندگان سیاسی در بهبود مناسبات دوستانه بین کشورها منعقد شده است (هرچند شیوه و پایه حکومت و اصول اجتماعی آن‌ها تفاوت‌هایی با یکدیگر داشته باشد)، ماده ۲۲ این کنوانسیون به مصونیت محل مأموریت یا سفارت می‌پردازد. به این صورت که کشور پذیرنده، موظف است همه تدابیر را به کار برده تا مکان‌های مأموریت، مورد تجاوز و خسارت قرار نگیرند. این اماکن و اسباب موجود در آن و خودروهای متعلق به مأموریت، مصون از تفتیش، مصادره، توقیف یا اقدامات اجرایی هستند.

ماده ۲۲:

- ۱) اماکن مأموریت، مصونیت دارند و مأمورین کشور پذیرنده جز با رضایت رئیس مأموریت (سفیر)، حق ورود به این اماکن را نخواهند داشت.
- ۲) کشور پذیرنده، وظیفه خاص دارد کلیه تدابیر لازم را به‌منظور اینکه اماکن مأموریت، مورد تجاوز و خسارت قرار نگرفته و آرامش و شئون آن متزلزل نگردد اتخاذ نماید.
- ۳) اماکن مأموریت و اسباب و اثاث و اشیاء دیگر موجود در آن و همچنین وسایل نقلیه مأموریت، مصون از تفتیش و مصادره و توقیف و یا اقدامات اجرایی خواهد بود.^۲

۵. کنوانسیون وین درباره روابط کنسولی ۱۹۶۳

کنوانسیون وین درباره روابط کنسولی، یک معاهده بین‌المللی است که در تاریخ ۲۴ آوریل ۱۹۶۳ در وین به تصویب رسیده و تاکنون در ۱۷۳ کشور، اعتبار قانونی یافته است. این کنوانسیون شامل ۷۹ ماده در چهار فصل است و دو پروتکل اختیاری نیز دارد.

1. Vienna Convention on Diplomatic Relations

2. https://legal.un.org/ilc/texts/instruments/english/conventions/9_1_1961.pdf

ماده ۳۱- مصونیت اماکن کنسولی از تعرض:

(۱) اماکن کنسولی تا حدود مقرر در ماده حاضر، مصونیت دارند.

(۲) مقامات پذیرنده نمی‌توانند به آن قسمت از اماکن کنسولی که منحصرراً برای انجام امور پست کنسولی مورد استفاده قرار می‌گیرد، داخل شوند مگر با رضایت رئیس پست کنسولی یا شخصی که از طرف او تعیین می‌شود یا رئیس مأموریت دیپلماتیک دولت فرستنده. لیکن در صورت وقوع آتش‌سوزی یا حوادث ناگوار دیگری که مستلزم اقدامات حفاظتی فوری باشد رضایت رئیس پست کنسولی را می‌توان کسب‌شده فرض نمود.

(۳) تحت مقررات بند ۲ ماده حاضر، دولت پذیرنده وظیفه‌ای خاص دارد؛ تا کلیه تدابیر لازم را به‌منظور اینکه اماکن کنسولی، مورد تجاوز و خسارت قرار نگرفته و آرامش و شئون آن متزلزل نگردد، اتخاذ نماید.

(۴) اماکن کنسولی و اسباب و اثاثیه آن و اموال پست کنسولی و وسایل نقلیه آن، از هر نوع مصادره به‌منظور دفاع ملی یا انتفاع عمومی، مصون خواهد بود. هرگاه برای این مقاصد، سلب مالکیت ضروری باشد، کلیه تدابیر ممکن جهت احترام از ایجاد موانع در راه انجام وظایف کنسولی، اتخاذ خواهد شد و غرامت فوری و مناسب و کافی به دولت فرستنده پرداخت خواهد گردید.^۱

کنوانسیون راجع به جلوگیری و مجازات جرائم علیه اشخاص مورد حمایت بین‌المللی از جمله مأمورین دیپلماتیک کشورهای طرف کنوانسیون حاضر ۱۹۷۳
ماده ۱- از لحاظ کنوانسیون حاضر:

(۱) اصطلاح «شخص مورد حمایت بین‌المللی» به اشخاص زیر اطلاق می‌گردد:

الف) رئیس کشور یا هریک از اعضاء گروهی که حسب قوانین اساسی کشور مربوطه، وظایف رئیس کشور را اعمال می‌نمایند، رئیس دولت یا وزیر امور خارجه، هنگامی که هریک از این اشخاص در سرزمین یک کشور خارجی به سر می‌برند و همچنین اعضاء خانواده که همراه ایشان باشند.

ب) کلیه نمایندگان و کارمندان و شخصیت‌های رسمی هر کشور یا هر کارمند و شخصیت رسمی یا مأمور یکی از سازمان‌های بین‌المللی یا بین‌دول، هنگام وقوع جرم علیه شخص او یا علیه اماکن رسمی و محل سکونت شخصی و یا وسایل نقلیه او، حق دارد به‌موجب حقوق بین‌الملل، از حمایت مخصوص در مقابل ایراد لطمه به شخص و آزادی و حیثیت و اعضاء خانواده خود که با او زندگی می‌کنند، برخوردار گردد.

(۲) اصطلاح «مظنون به ارتکاب جرم» به شخصی اطلاق می‌گردد که در مرحله ابتدائی، دلایل کافی

برای اثبات اینکه او یک یا تعدادی از جرائم مندرج در ماده ۲ را مرتکب شده یا در آن شرکت نموده، علیه او وجود داشته باشد.^۱

۶. تحلیل اجرای عملیات وعده صادق براساس موازن حقوق بین الملل

بمباران کنسولگری ایران در دمشق توسط رژیم صهیونیستی، از دو جهت نقض فاحش قوانین پذیرفته شده و بدیهی حقوق بین الملل بود. اول اینکه، کنسولگری ایران یک ساختمان دیپلماتیک و دارای مصونیت بین المللی بود. طبق ماده ۲۲ پیمان وین درباره روابط سیاسی یا کنوانسیون وین راجع به روابط دیپلماتیک ۱۹۶۱، اینگونه اماکن نمی بایست مورد تجاوز و خسارت قرار گیرند. این اماکن حتی از تفتیش، مصادره، توقیف یا اقدامات اجرایی مصون هستند؛ چه برسد به حمله مستقیم نظامی. علاوه بر آن، براساس ماده ۳۱ کنوانسیون وین درباره روابط کنسولی ۱۹۶۳، اماکن کنسولی از هرگونه تعرض مصون هستند و حتی ورود به این اماکن، می بایست با رضایت شخص کنسول کشور فرستنده باشد. طبق بند ۳ این ماده، کشور پذیرنده موظف است کلیه تدابیر لازم را به منظور اینکه اماکن کنسولی، مورد تجاوز و خسارت قرار نگیرد و آرامش و شئون آن متزلزل نگردد، اتخاذ نماید.

دوم، در این حمله نظامی وحشیانه، تعداد شش نفر از مستشاران نظامی ایران که به دعوت رسمی کشور سوریه در آن کشور حضور داشته و در مبارزه آن کشور با تروریسم بین المللی به عنوان مشاور رسمی و قانونی ارتش و گروه های مقاومت مشغول بودند، به شهادت رسیدند. البته این حمله، بی سابقه نبوده است. مروری بر وقایع مشابه، نشان می دهد که از ابتدای حضور داعش در کشور سوریه تاکنون ۲۷ نفر از مستشاران نظامی سپاه پاسداران، با حمله مستقیم ارتش رژیم صهیونیستی به شهادت رسیده اند؛ که غیر از شش شهید مستشار کنسولگری دمشق، بقیه آنان در پادگان های نظامی مورد حمله و بمباران قرار گرفته اند. از آنجایی که مستشاران نظامی ایران در کشور سوریه به دعوت رسمی این کشور و طبق قوانین و موازن بین المللی و استفاده از حق اساسی یک کشور برای مبارزه با تروریسم و برقراری امنیت و آسایش، در آن کشور حضور داشتند و به عنوان یک شخصیت دیپلماتیک محسوب می شدند، براساس بند ۱ ماده ۱ کنوانسیون، راجع به جلوگیری و مجازات جرائم علیه اشخاص مورد حمایت بین المللی، از جمله مأمورین دیپلماتیک کشورهای طرف کنوانسیون حاضر ۱۹۷۳، دارای مصونیت سیاسی و دیپلماتیک بودند و حمله نظامی و کشتن آنان، خلاف حقوق بین الملل محسوب می شود.

طبق قسمت ب بند ۱ ماده ۱ کنوانسیون یادشده، کلیه نمایندگان و کارمندان یا شخصیت های رسمی هر کشور یا هر کارمند و شخصیت رسمی یا مأمور دیگر یکی از سازمان های بین المللی یا بین دول، هنگام وقوع جرم علیه شخص او یا اماکن رسمی و محل سکونت شخصی و یا وسایل نقلیه او، حق دارد

1. https://legal.un.org/ilc/texts/instruments/english/conventions/9_4_1973.pdf

به موجب حقوق بین الملل، از حمایت مخصوص در مقابل ایراد لطمه به شخص و آزادی و حیثیت و اعضاء خانواده خود که با او زندگی می کنند، برخوردار گردد. بنابراین، هم حمله نظامی به ساختمان کنسولگری ایران در دمشق و هم شهادت مستشاران نظامی ایران در کنسولگری، برخلاف حقوق تصریح شده و آشکار بین المللی بود.

عملیات وعده صادق که طی آن، ایران به اهداف نظامی رژیم صهیونیستی، به صورت آشکار، حمله نظامی انجام داد، دارای چندین خصوصیت بود:

(۱) تمامی مسئولین بلندپایه ایران از رهبر انقلاب، رئیس جمهور، وزارت امور خارجه به انجام عملیات متقابل و تنبیه رژیم صهیونیستی تأکید کرده و انجام این عملیات، به مطالبه عمومی مردم ایران تبدیل شد.

(۲) تقریباً اکثر کشورهای جهان و سازمان های بین المللی، به اینکه حمله رژیم صهیونیستی به کنسولگری ایران در دمشق، برخلاف حقوق بین المللی بوده، اذعان داشتند. پس به این دلیل حق دفاع مشروع ایران علیه این تجاوز علنی و آشکار، برای ایران محفوظ بود.

(۳) ایران در این عملیات نظامی، به هیچ عنوان از جدیدترین تجهیزات نظامی خود بهره نگرفت و صرفاً به یک عملیات محدود بسنده کرد.

(۴) ایران صرفاً نسبت به امکان نظامی و اطلاعاتی رژیم صهیونیستی که در حمله به کنسولگری ایران دخیل بودند، عملیات نظامی انجام داد و هیچ هدف و محل سکونت غیرنظامیان را مورد حمله قرار نداد.

عملیات وعده صادق در پاسخ به حمله نظامی رژیم صهیونیستی به کنسولگری ایران در کشور سوریه، انجام شد. ایران این عملیات را دفاعی مشروع در برابر تجاوز نظامی رژیم صهیونیستی به محل دیپلماتیکی، که براساس اسناد و قوانین بین المللی، علی الخصوص کنوانسیون های وین ۱۹۶۱ و ۱۹۶۳ دارای مصونیت حمله و تجاوز هستند، انجام داد. همان طور که در متون حقوق بین الملل آمده است، براساس اسناد مورد وثوق، دفاع مشروع دارای شرایط کلی است که اینگونه بیان می شود:

(۱) به استناد ماده ۵۱ منشور ملل متحد، وقوع حمله نظامی شرط اصلی برای دفاع مشروع بوده و الزاماً باید مسبوق به یک تهاجم نظامی باشد.

(۲) دفاع مشروع، می بایست زمانی اجرا شود که پیگیری راه های دیپلماسی و غیرنظامی به نتیجه نرسد.

(۳) میان حمله نظامی و تجاوز با دفاع، باید تناسب وجود داشته باشد. البته تعیین اینکه آیا تجاوزی صورت گرفته یا خیر، در اختیار شورای امنیت است و در صورت وقوع تجاوز و حمله نظامی، دفاع مشروع می بایست متناسب با آن، مورد اجرا قرار گیرد.

(۴) دفاع مشروع باید فوری و با سرعت، پس از انجام تجاوز و حمله نظامی صورت پذیرد.

(۵) به استناد ماده ۵۱ منشور ملل متحد، اجرای دفاع مشروع باید فوراً به شورای امنیت گزارش و اطلاع رسانی شود.

نکته قابل توجه آنکه، ایران پس از انجام حملات تروریستی علیه مستشاران نظامی خود در سوریه، به هیچ عنوان درصدد مقابله به مثل نبود و صرفاً به محکوم نمودن آن بسنده کرد و از مجامع بین‌المللی توقع محکومیت و جلوگیری از بروز جنایت‌های مشابه در آینده را داشت.

اما در مورد حمله رژیم صهیونیستی به کنسولگری ایران، موضوع تفاوت ویژه‌ای دارد. رژیم صهیونیستی در این مورد، برابر قوانین حقوق بین‌الملل، درواقع به خاک ایران تجاوز نموده است. به استناد ماده ۵۱ منشور ملل متحد، این حق طبیعی ایران بود که براساس اصل دفاع مشروع، از خود دفاع نماید. البته ایران علی‌رغم پشتیبانی ملت و هم‌زبانی تمامی مسئولین و دارا بودن قدرت نظامی، بلافاصله پس از تجاوز به کنسولگری، اقدام به عملیات نظامی نکرد؛ بلکه متوسل به اقدامات دیپلماتیک شد. اولین اقدام را می‌توان نشست اضطراری شورای امنیت که پس از وقوع بمباران کنسولگری در دوم آوریل ۲۰۲۴ انجام شد، دانست.^۱ گفت‌وگوهای تلفنی رئیس‌جمهور فقید ایران با مقامات سایر کشورها، سفرها و گفت‌وگوها و دیدارهای دیپلماتیک وزیر امور خارجه وقت با دبیرکل سازمان ملل متحد و مقامات کشورهای جهان و تأکید بر حق ایران بر دفاع از منافع خود، دلیل مبرهنی بر عاقلانه و مشروع بودن خواسته‌های دولت ایران بود. اما متأسفانه شورای امنیت ملل متحد در این مدت نتوانست یک قطعنامه الزام‌آور و قاطع در جهت برقراری صلح و امنیت در منطقه با جلوگیری از اقدامات ددمنشانه و خلاف حقوق بشر رژیم صهیونیستی، صادر نماید. نحوه برخورد و اقدام ایران قبل از اجرای عملیات وعده صادق و نیز نوع اجرای این عملیات موفقیت‌آمیز، انطباق آن را با الزامات دفاع مشروع اثبات می‌نماید: اول: رژیم صهیونیستی یک حمله نظامی را به کنسولگری (خاک سرزمینی) ایران انجام داد. دوم: مقام‌های دیپلماتیک ایران تمامی راه‌های دیپلماسی را به مرحله اجرا درآوردند. از شورای امنیت و دبیرکل سازمان ملل بارها خواسته شد که به وظایف ذاتی خود عمل نمایند. متأسفانه با توجه به ساختار ناکارآمد سازمان ملل متحد و پشتیبانی ایالات متحده آمریکا و کشورهای غربی، این امر محقق نگردید. سوم: این عملیات کاملاً متناسب با حمله نظامی رژیم صهیونیستی بود. در این عملیات، ایران صرفاً به پایگاه نظامی و اطلاعاتی که در حمله به کنسولگری از آن استفاده شده بود، حمله کرد و به هیچ عنوان به مناطق مسکونی و افراد غیرنظامی تعرض نکرد. چهارم: عملیات مشروع وعده صادق پس از حمله نظامی رژیم صهیونیستی به کنسولگری ایران در دمشق انجام شد. پنجم: ایران به صورت رسمی نحوه اجرای عملیات را از طریق نمایندگی دائم خود در سازمان ملل متحد به اطلاع شورای امنیت رساند.

۷. نتیجه‌گیری

ایران در پاسخ به تجاوز وحشیانه رژیم صهیونیستی به کنسولگری ایران در دمشق و تخریب کامل این

1. <https://press.un.org/en/2024/sc15650.doc.htm>

ساختمان و شهادت ۶ نفر از مستشاران نظامی ایران در آن کشور و تعدادی از شهروندان سوری، دست به اقدامات گسترده دیپلماتیک در سطح جهانی زد. کشورهای آزاده جهان و سازمان‌های بین‌المللی، حتی سازمان ملل متحد، حمله نظامی رژیم صهیونیستی به ساختمان کنسولگری ایران را محکوم و از وقوع آن اظهار نگرانی نمودند. ایران در پی بی‌نتیجه بودن اقدامات دیپلماتیک و عدم کارایی سازمان ملل متحد و عدم توفیق شورای امنیت در برقراری صلح و امنیت با جلوگیری از اقدامات وحشیانه رژیم صهیونیستی در منطقه، بویژه غزه، پس از ۱۲ روز، عملیات موسوم به وعده صادق را اجرا نمود. با توجه به مستندات ارائه شده طبق اسناد رسمی و بین‌المللی، از جمله ماده ۵۱ منشور ملل متحد، پیمان وین درباره روابط سیاسی یا کنوانسیون وین راجع به روابط دیپلماتیک ۱۹۶۱، کنوانسیون وین درباره روابط کنسولی ۱۹۶۳، کنوانسیون راجع به جلوگیری و مجازات جرائم علیه اشخاص مورد حمایت بین‌المللی از جمله مأمورین دیپلماتیک کشورهای طرف کنوانسیون حاضر ۱۹۷۳، حمله رژیم صهیونیستی به کنسولگری ایران، تجاوز و برهم‌زننده صلح و امنیت بین‌المللی بوده و با توجه به اقدامات بعدی ایران در عرصه بین‌المللی، عملیات وعده صادق کاملاً منطبق با شرایط دفاع مشروع بوده است.

منابع

- صفایی، حسین (۱۳۶۷). مداخله در امور کشورهای دیگر از دیدگاه حقوق بین الملل. *حقوقی بین المللی*، شماره ۹.
- ضیائی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۸۰). حقوق جنگ (حقوق بین الملل مخصصات مسلحانه). تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.
- مسائلی، محمود؛ ارفعی، عالیہ (۱۳۷۱). جنگ و صلح از دیدگاه حقوق و روابط بین الملل. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی.
- Bowett, D.W. (1958). *Self Defence in International Law*. Manchester University Press.
- Brierly, J.L. (1963). *The Law of Nations*. 6th ed. London: Oxford University Press.
- Brownline, I. (1963). *International Law and the Use of Force*. Oxford: Clarendon Press.
- Kelsen, H. (1951). *The Law of the United Nations*. London: Lawbook Exchange.
- Levenfeld, B. (1982). Zionist regime's Counter-Fedayeen Tactics in Lebanon: Self-Defense and Reprisals under Modern International Law. *Columbia Journal of Transnational Law*, vol. 21.
- Mallison, W.T. (1962). Limited Naval Blockade or Quarantine International and Collective Defence Claims Valid under International Law. *George Washington Law Review*, vol. 31.
- Merazek, J. (1989). Prohibition of the Use and Threat of Force: Self- Defence and Self-Heip in International Law. *Canadian Yearbook of International Law*, vol. 27.
- Nanda, V.P. (1984). The United States Armed Intervention in Grenada: Impcat on World Order. *California Western International Law Journal*, vol. 14.
- Ohlin, J.D. (2015). The Doctrine of Legitimate Defense. *Cornell University Law School*, vol. 91.
- Paasche, F.W. (1987). The Use of Force in Combating Terrorism. *Columbia Journal of Transnational Law*, vol. 25.